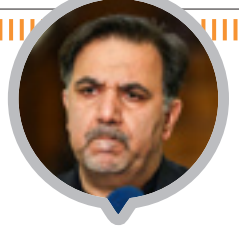


# کسرها



نمره صد و پنجم / مهر ماه ۹۷



وزیر راه و شهرسازی

## بازدید آخوندی از سوراخ تونل

وزیر راه و شهرسازی در مراسم سوراخ کردن تونل آزادراه تهران شمال حضور یافت و شاهد لحظه تاریخی به هم رسیدن سوراخ از دو طرف بود.

به گزارش خبرگزاری تونل نیوز از لحظه یک شاهکار مهندسی بود که جلوی چشم مقام عالی وزارت اتفاق افتاد. به همین دلیل یک شاهکار مدیریتی نیز حساب می شود. عباس آخوندی، امین وزیر بود که از پروژه آزادراه تهران شمال بازدید می کرد و این خود یک رکورد تاریخی و یک ابرشاهکار مدیریتی محسوب می شود.

آخوندی در حاشیه این مراسم به خبرنگاران گفت: من قول می دهم اگر دو دوره دیگر وزیر باشم این پروژه را به اتمام می رسانم.

وزیر راه با تاکید بر به هم رسیدن سوراخ های دو طرف تونل گفت: این نحوه سوراخ کردن در منطقه بی سابقه بوده و نقطه عطفی برای کشور است. ما همانطور که دنبال برجام ۲ و ۳ و FATF و این جور چیزها هستیم، از این به بعد دنبال سوراخ ۲ و ۳ هم خواهیم بود و راه حل مشکلات کشور را در گرو این شیوه می دانیم.

وی افزود: تماشای این سوراخ یکی از موفقیت های بنده در ادوار وزارت بود و در شرایط کنونی که انتقادها بالا گرفته است و مجلس هم مدام گیر می دهد، بهترین پاسخ ممکن بود.

آخوندی خطاب به منتقدین گفت: بفرمایید! این هم کار! این هم عملکرد! این هم سوراخ به این قشنگی! دیگر چه می خواهید؟ ده دفعه دیگر هم اگر مرا استیضاح کنید رای نمی آورد؛ دل کنید دیگر بروید سراغ شریعتمداری یا هر کس دیگر! انصافا اگر کس دیگری به جای من وزیر شود قادر است یک چنین سوراخ تمیزی بسازد و تحویل دهد؟ اصلا کی می تواند این شکلی تونل بزند؟ بنده عمرم را در این کار صرف کردم و هیچکس تخصص مرا ندارد. الان دیگر باید به من لقب پدر تونل ایران را بدهند. من کوه را سوراخ کردم، بقیه جاها که جای خود دارد.

به گزارش تونل نیوز مراسم افتتاح سوراخ تونل با مصاحبه و عکس یادگاری وزیر راه به پایان رسید و از فردا تمام مسئولین ذیربط در پاسخ به سوالات درباره زمان اتمام پروژه آزادراه تهران شمال، کمافی السابقی پیمانکار (بنیاد مستضعفان) را مقصر خواهند دانست!



## یک سال پس از زلزله هنوز کمک های مردم در حساب سلبریتی ها است

### زیبا کلام: عجله کار شیطان است!

حساب دکتر زیبا کلام مرتب با جمع آوری کمک های مردمی مسدود شد! دکتر زیبا کلام در این رابطه اعلام کرد که شکایت خواهد کرد. ما هم به منظور کمک به دکتر، چون که وقت ندارند و سرشان شلوغ است، پیش نویس دادخواست را برایشان تنظیم کرده ایم؛ ریاست محترم دادگاه

با سلام؛ نظر به اینکه حساب جمع آوری کمک های مردمی بنده با حدود ۳۰ میلیارد ریال موجودی مسدود شده است، لازم به ذکر است که من مقصر نیستم که مردم پول به حسابم ریخته اند و می خواستند نریزند. خودشان ریخته اند و همین است که هست. مگر من که پشیمان شدم توانستم رایم را پس بگیرم که این ها هم بتوانند؟ ضمناً بنده قصد داشتم در مناطق زلزله زده «سرای امید» بسازم و قراردادش را هم بسته بودم اما متأسفانه به علت تحریم ها محموله وارداتی «امید» که برای این منظور سفارش داده بودیم به دستمان نرسیده و ما نتوانستیم پولش را از طریق بانکی منتقل کنیم یا اینکه همه خبرنگاران دیدند که سامانه های بانکی باز است و تحریم ها برداشته شده ولی نشد که ما این کار را انجام بدهیم. ضمناً با وجود اینکه دیوار تحریم ها ترک برداشته است سعی کردیم پول ها را از لای ترک دیوار جا به جا کنیم که باز هم نشد. بعد از آن نیز با پیگیری های متعدد محموله بالاخره آمد اما این بار در گمرک ماند و اجازه ترخیص ندادند. این مشکل نیز با بخشنامه آقای جهانگیری حل شد و محموله را ترخیص کردیم ولی بعد دچار مشکل دیگری شدیم. از تضریرات سراغمان آمدند که شما «امید» ها را اختکار کرده اید و جریمه مان کردند و محموله را هم ضبط نموده و از ما گرفتند.

از همه این ها گذشته مشکلات عدیده دیگری نیز بر سر راه ما وجود داشت. روزی که رفتم در مناطق زلزله زده ساخت و ساز را شروع کنیم، متوجه شدیم زمین آنجا کج است! هر چقدر دنبال یک تکه زمین گشتم که کج نباشد پیدا نشد که نشد. نه اینکه خیال کنید ما بهانه می آوریم و کار بلد نیستیم، نه، اصلاً و ابداً. ولی هنوز زمین صاف گیر نیارده ایم.

بعدش هم اینکه به تازگی مقدار زیادی ریسمان به دست بنده رسیده که ناچارم آنها را به آسمان بیافم و تمهید می دهم به محض اینکه از کار بافتن ریسمان ها به آسمان ها فارغ شدم کار مناطق زلزله زده را بی گرفته و می گذارم پشتش تا انجام شود. قول می دهم!

تقاضای منم به دادخواست من رسیدگی نموده و فوراً حسابم از مسدودی خارج شود که آن ۳۰ میلیارد ریال بی زبان را به صاحبان اصلی اش برسانم. هنوز که دیر نشده، فقط یک سال از زلزله گذشته است! لاقلاً چهار پنج سال مهلت بدهید که با آرامش قضیه را حل کنم. عجله کار شیطان است! با تشکر

FATF در مجلس تصویب شد

## صبح بدون بهانه!

«کلید باز هم چرخید، ملت! بخندید!»

چرخاندن کلید دیگر بی مزه شد و از آن موقع تا حالا هر چقدر مسئولان کلیدها را می چرخانند، می بیچانند، می گردانند، بالا و پایین پرت می کنند، با کلید آکروبات بازی می کنند و خلاصه کلید کاری می کنند، ملت همینطور خیره نگاهشان می کنند و یاد چوک های بی مزه ای می افتند که تا حالا صد دفعه شنیده اند! در نتیجه الان می توانند این شکلی تیتز بزند: «کلید باز هم چرخید، ملت بخندید!» یا «ملت بخندید تا دنیا به ریشتان بخندد!»

### نصف کردن صورت ظریف

روزنامه ابتکار طرحی را فردای برجام چاپ کرد که نصف صورت جواد ظریف را به نصف صورت محمد مصدق پیوند زده بود. گذشته از آنکه اجرای این طرح پیچیدگی های خاص خودش را داشته و چسباندن صورت دراز و بلند دکتر مصدق به صورت گرد ظریف کار سختی بوده است، این طرح الان هم قابل اجرا است با این تفاوت که صورت وزیر خارجه را با صورت میرزا ابوالحسن خان ایلچی پیوند بزند که از نظر ابعاد چهره و سایر منظرها مطابقت بیشتری دارند!

### صبح بدون تروریست!

این هم از تیتزهای جالب بعد از توافق بود. همین الگو را برای FATF هم می توانیم به کار ببریم و تا صبح هزار تا از این تیتزها تحویل بدهیم: صبح بدون تهدید، صبح بدون تروریسم، صبح بدون پولشویی، صبح بدون دلواپس، صبح بدون نقوی حسینی، صبح بدون موشک و ... زیاد نگران نباشید و فکرتان را مشغول نکنید که حتماً صبح مورد نظر بدون آن چیزی باشد که توی تیتز است! آن دوستانی که تیتز «صبح بدون تحریم» را زدند و بعدش هر چی شب ها را صبح کردند تحریم ها را باز هم سرچایش دیدند، ضرر نکردند!

به هر حال تصویب این لایحه را به همه تصویب کنندگان، موافقان، طراحان، پلاکارداران، فریادندگان، گردن شکستگان و غیره تبریک و تهنیت عرض نموده و به همین مناسبت مجلس بزرگداشتی در محل مجلس برقرار می باشد که ورود برای عموم ممنوع و برای بقیه آزاد است! از طرف کلیه بستگان و آشنایان و خانواده های محترم لاریجانی، نعمتی، سلحشوری، روحانی، ظریف و سایر باز ماندگان.

### بدرصفت

یک جلسه تاریخی دیگر در مجلس رقم خورد که آدم را یاد آن ۲۰ دقیقه معروف می انداخت با این تفاوت که آن رکورد دست نیافتنی، گماکان دست نیافتنی باقی ماند و این بار چهار نفر موفق شدند قبل از رای گیری حرف بزنند! از این لحاظ جلسه مجلس یک موفقیت برای منتقدان محسوب می شود!



تصویب FATF از یک جهت دیگر هم با توافق هسته ای مشابهت دارد. برای درک این مشابهت، خودمان را جای سردبیران روزنامه های حامی دولت و اصلاح طلب می گذاریم و خیال می کنیم قرار است برای روزنامه فردا تیتز بزینیم. نتیجه تراوشات ذهنی مان چند تا تیتز پیشنهادی است که در ادامه ملاحظه می فرمایید.

### جهان تغییر کرد!

روزنامه اعتماد این تیتز را فردای توافق هسته ای کار کرده بود. فردای تصویب FATF هم می تواند همین تیتز را بدون تغییر کار کند! از آنجایی که از آن موقع تا حالا چیز خاصی تغییر نکرده و وضع مان بهتر نشده، استفاده از این تیتز شاید کمک کند که این بار اوضاع تغییر کند. برای تاکید می توانم اینطور تیتز بزند: «جهان این دفعه دیگر تغییر کرد» یا «جهان قول داد تغییر کند» یا «امضای جهان تضمین تغییر است!»

### ایران جواب سلام جهان را داد!

شهروند پس از توافق هسته ای تیتز زد: «جهان به ایران سلام کرد». خب حالا می توان گفت که ایران جواب سلام جهان را داد! همین طور پیش برود در مراحل بعدی (به اصطلاح برجام ۳ و ۴ و ...) می توان این تیتزهای سریالی را ادامه داد: «جهان برای ایران کارت پستال فرستاد» بعد «ایران جهان را به پای و شیرینی دعوت کرد» بعد «جهان ایران را شام مهمان کرد» بعد «خواستگاری جهان از ایران!» همینجور الی آخر! اتفاق این جور خبرها با وضعیت حال حاضر روزنامه شهروند بیشتر جور درمی آید!

### کلید چرخید، ایران خندید

بله، به قول آفتاب یزد آن موقع کلید چرخید و ایران هم خندید. ولی

تاریخ تولد خریدنی!

## یک روز خاص



۱) پرونده ی شماره ۱۲۳۴-۱۱

پزشک: خانم من دیروز به شما گفتم جنین وضعیتش نرماله. باز پاشدی اومدی که!

زن: اتفاقاً برای همین حرفتون اومدم دیگه. اگه نرماله پس می تونه امروز به دنیا بیاد.

پزشک: امروز؟

زن: واچه اشکالی داره؟! بچه باید یاد بگیره روی پای خودش وایسه تا کی اون تو بخوابه بدون اینکه بخواد چرخ رو خاموش کنه؟! بنداناف خور مفت خور!

پزشک: ببینید خانم بچه شما ۹ ماهش پر نشده و براش خطرناکه! زن: زمان ما والا از این قرتی بازی ها نبود. من خودم شش ماهه به دنیا اومدم. تازه ۲ ماه کمتر از این وروجک. خیلی هم از همسن و سال هام جلوترم.

پزشک: به هر حال من نمی تونم همچین ریسکی کنم. نوبت شما تو پرونده ۹۷/۸/۱۲ خورده!

زن: اووا اینکه رند نیست! فالوورام و خواهر شوهر کوچیکه ام و گروه دوستان دانشگاهم به درک! پس فردا تو مدرسه جلو همکلاسی های ۹۷/۷/۷ ایش خجالت می کشه خب بچم! پزشک: بفرمایید...

زن: شنیده بودم بعضی دکترها عقده ای هستن، ندیده بودم که دیدم!

۲) پرونده ی ۲۲۲۲-۱۱

زن: وای! دکتر به دادم برس!

پزشک: ببینید اگه مشکلاتون ناباروریه، تخصص من نیست.

زن: نه دکتر من الان سه ماهمه. می خواستم دیگه اگه بشه، این بچه رو به دنیا بیاریم!

پزشک: جنین سه ماهه رو؟

زن: بله جاری خودم بچه ش رو سه ماهگی به دنیا آورد.

پزشک: زنده؟

زن: حالا چه فرقی می کنه! به جای اینکه تو شناسنامه ش بخوره روی قبرش زدن ۹۶/۶/۶

پزشک: شما روزی دو لیوان زعفرون بخور، برای جنین هم بهتره!

۳) پرونده ی ۵۶۶۵-۲۲۲

زن: دکتر کاش به اون سوگندی که خوردی پایبند بودی! کاش!

پزشک: چی شده جانم؟

زن: من باید از صف جلوی بیمارستان بقیهمم امروز نوبت زایمانمه. پزشک: خب نوبت شما امروز نیست.

زن: ببین دکتر من ۸/۸/۸ عقد کردم، اگه این بچه امروز یعنی ۹۷/۷/۷ به دنیا بیاد حساب کردم بچه بعدی ام ۱۴۰۰/۰/۰ باشه اونوقت خانواده مون میفته و شانس!

پزشک: ۰۰/۰/۰ نداریم اصلاً!

زن: یعنی حتی اگه تو لحظه ترکیدن توپ سال تحویل به دنیا بیاد هم نمیزنن ۰۰/۰/۰؟

پزشک: خیر!

زن: حیف شد!! خب اگه این امروز به دنیا بیاد و بعدی رو بخوام ۹۷/۹/۹ به دنیا بیارم، میشه دوسال و دوماه و دو روز. یعنی اگه سر دوسال از شیر و پوشک بگیرم مش اونوقت جنین دوماه و دو روزه رو میشه به دنیا آورد؟

پزشک: شما حتماً به سی تی اسکن از سرت بده.

زن: دکتر مگه اشعه اش برای بچم ضرر نداره؟

پزشک: بفرمایید...

۴) پرونده ۱۱۱۱-۱۱

پزشک: شما الان باید آماده شده باشی برای عمل، چرا هنوز اینجایی؟

زن: دکتر نمیشه این بچه رو ۹۷/۹/۷ به دنیا بیاری؟ بخدا من مشکلی ندارم. ۹ ماه تو شکمم بوده، ۲ ماه دیگه هم روش. این بچه مگه چه آزاری داره واسم؟

پزشک: عزیزم هر لحظه احتمال داره جنین از دست بره! برای خودت هم خطرناکه.

زن: آخه ۹۷/۷/۷ خز شد دیگه. باز اون تاریخ ...

پزشک: ... پرستار! پرستار!

گل به خودی مجلس، با توپ FATF



سجاد جعفری

## گزینه های پیشنهادی برای وزارت اقتصاد

### لنگه کفش نعمت

#### وردت

تازه داشتیم با بیکار شدن وزیر کار «کنار می آمدیم که نام «وزیر اقتصاد» هم به لیست بیکاران اضافه شد. لذا رئیس جمهور باید هر چه سریعتر (البته دلیل اصرار بر تسریع را نمی دانم) یک نفر را به عنوان وزیر پیشنه های به مجلس معرفی کند که ما به علت ضیق وقت چند نفر را به ایشان جهت گزینش معرفی می نمایم:

۱- آقای توپخت: از آنجا که ایشان در گذشته برای انجام استعفا مانند افراد ایستاده در صف اجابت مزاج (!) یک پا دو پا می کردند، به

کفش هم در بیابان نعمت است! (این نعمت با آن نعمت فرق داره، دقت کنید!)

۴- محمدرضا عارف: یکی از مشکلاتی که جامعه بعد از بیکاری و رکود با آن درگیر است، اظهار نظر بی مورد مسئولین است. لذا با توجه به اینکه ایشان در مدت حضور ۳ ساله خود در مجلسس لام تا کام حرفی نزده اند؛ به طوریکه چندین بار، زبانم لال فکر منفی خود در این راستا، آرامش حادقلی را در جامعه ایجاد نمایند!

۵- محمودصادقی: به نظر نگارنده ایشان یکی از گزینته های ممتاز برای تصدی این جایگاه است. زیرا با توجه به افزایش بیکاری در جامعه و اعتراضات مردمی، ایشان می توانند با بغض های مکرر خود باعث التیام و تخلیه روحی بیکاران جامعه شود.